این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

معنای حرکت دست‌ها هنگام گفتن «الله اکبر» ابتدای نماز

کانال تلگرامی بنیاد شهید مطهری به استناد صفحه ۲۲۹ جلد ۱۴ کتاب آشنایی با قرآن بخشی از فرمایشات استاد شهید را به اشتراک گذاشت. استاد مطهری می‌فرمایند:
چرا ما در نماز وقتی می‌گوییم «اللهُ‌اَکبَر» دست‌ها را اینچنین می‌کنیم؟ (مستحب است که وقتی شروع می‌کنیم به گفتن «الله اکبر» دست‌ها بالا برود و وقتی به بالاترین نقطه رسید، کلام ما به راء «اکبر» برسد.) معنی این کار چیست؟ البته الله‌اکبر خودش معنی دارد، تکبیر خداوند است: خدا بزرگ‌تر است از همه چیز. بلکه «از همه چیز» هم درست نیست، در روایات گفته‌اند بگویید خدا بزرگ‌تر است از اینکه به وصف در بیاید. حالا این کار من یعنی چه که وقتی می‌گویم «الله‌اکبر» دست‌هایم را بالا برده و پایین می‌آورم؟ به چه چیزی می‌خواهم اشاره کنم؟ آیا اصلِ کار، عقب رفتن دست‌هاست یا جلو آمدن آنها یا هر دو؟ اصل کار، عقب رفتن است؛ این دومی جزء کار نیست، بلکه کار تمام شده و دست‌ها را به حال عادی در می‌آوریم. مقصود از این کار چیست؟ این کار یعنی پشت سر افکندم هر چه هست، غیر از خدا.

چقدر زود محبوبتان «حاجی ارزونی» شد!

هفته‌نامه «چلچراغ» در جلد جدیدترین شماره خود به واگذاری‌های اموال دولتی در بورس انتقاد کرد و تلویحاً روحانی را حاجی ارزونی خطاب کرد. این هفته‌نامه سه سال پیش تیتر زده بود: «مردمی که به تو رأی داده‌اند با تو خواهند ماند.» چقدر زود گذشت از روحانی بودن تا حاجی ارزونی شدن برای چلچراغ!

حال بد صادق زیباکلام!

سیدمهدی موسوی با انتشار تصویر فوق از زیان حال زیباکلام نوشت: یه عمر مثل اسپایدرمن از رو پرچمتون پریدم که تو اینجوری پرچم مقدس امریکا رو لگدمال کنی حیوان؟!

لر اصیل فقط در دفاع از ایران اسلحه می‌گیرد!

رضا هداوند توئیت کرد: به عنوان یک لر اصیل می‌گویم که طایفه لر فقط یکجا اسلحه در دست می‌گیرد و آن هم در مقابل دشمنان ایران. آقای تاجگردون جمع کردن بساط اراذل و اوباش اسلحه به دست دور و برت یک نصف روز بیشتر لازم نیست. آن هم به‌دست لرهای اصیل و باغیرت.

لیست امید اتوبوسی به دولت می‌رود

کانال تلگرامی «طنز سیاسی دکتر سلام» نوشت: روزنامه آفتاب یزد جدولی منتشر کرده که نشان می‌دهد نمایندگان اصلاح‌طلب (لیست امید) پس از ناکامی در انتخابات مجلس راهی پست‌های دولتی می‌شوند. این نمایندگان بارها تلاش کردند چسبندگی خود را از دولت جدا کنند حالا اما الیاس حضرتی و بهروز نعمتی به شستا می‌روند؛ علی مطهری رئیس سازمان اسناد می‌شود؛ پروانه مافی به وزارت کشور؛ زهرا ساعی به وزارت رفاه؛ محمدرضا تابش به وزارت ورزش و طیبه سیاوشی به وزارت ارشاد می‌روند و کواکبیان هم معاون پارلمانی وزارت ارشاد می‌شود.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به اعتراضات در امریکا و حواشی آن

چهره امریکا پرستان دیدنی است!

اعتراضات مردم امریکا همچنان ادامه دارد. این اعتراضات که با قتل جورج فلوید در ایالت مینه‌سوتای امریکا آغاز شده بود حالا جز شهر مینیاپولیس به دیگر شهرهای امریکا نیز کشیده شده تا حدی که برخی از خبرگزاری‌ها از درگیری بیش از ۱۴۰ شهر ایالات امریکا خبر داده‌اند و تصاویر بسیاری از تظاهرات‌های گسترده‌ای در شهرهای نیویورک، واشنگتن، شیکاگو و... مخابره می‌شود. ترامپ نیز که ابتدا مردم را با سگ‌های وحشی و اسلحه تهدید می‌کرد، مطابق آنچه سی‌ان‌ان اعلام کرده است جمعه هنگام حضور تظاهرات‌کنندگان در اطراف کاخ سفید به طور موقت به پناهگاه زیرزمینی منتقل شده بود. خشونت‌های بی‌حد و حصر پلیس امریکا، آتش زدن پرچم امریکا به دست شهروندان این کشور، دست گرفتن تصویر سردار سلیمانی، سر دادن شعار «الله اکبر» و خواندن سرود حزب‌الله پشت دیوارهای کاخ سفید از دیگر موارد قابل توجه #اعتراضات-سراسری-امریکا بود که واکنش بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی را به دنبال داشت. در ادامه مروری به برخی از این واکنش‌ها داریم.

حسن عابدینی:
دستگیری خبرنگار CNN هنگام پوشش زنده، بازداشت خبرنگار هافینگتون پست، تیراندازی به سوی دو عکاس رویترز و برخورد با فضای مجازی، تازه‌ترین روایت امریکا از گردش آزاد اطلاع‌رسانی است. ترامپ برای جلوگیری از پوشش اندکی منصفانه میدانی، زانو روی گلوی حتی رسانه‌های جریان اصلی همسو هم می‌فشارد.

میلاد لطیفی:
جا داره یه تشکر ویژه از بروبچه‌های کف خیابون امریکا داشته باشم که امسال روز قدس که بیرون نرفتیم زحمت آتیش زدن پرچم افتاد گردنشون، تو شادی‌هاتون جبران کنیم.

سعید نوروزی:
ترامپ دستور شلیک داد؛ خون امریکایی‌ها روی زمین مینیاپولیس ریخته شد؛ کاخ سفید ترسید و تعطیل شد؛ حقوق بشر امریکایی رو دنیا به عینه دید و... اما یک‌سری‌ها همچنان لال هستند! دیر یا زود موج تازه اعتراضات سراسری امریکا و جوکرها به فروپاشی ایالات متحده ختم می‌شد و چهره امریکاپرستان دیدنی خواهد بود.

امین نیکدل:
امریکا اعلام کرده ایران در شلوغی‌های امریکا نقش داشته است! بزرگوار مگه شما نمی‌گفتید ترور سردار سلیمانی باعث عقب‌نشینی ایران شد؟! مگه شما نبودید می‌گفتید ایران از سوریه خارج شده است؟! چی شد پس؟! از سوریه آمدیم امریکا؟!

امیرحسین ثابتی:
مردم امریکا با دیدن جنایات دولت‌شان، برای نشان دادن اعتراض خود روی پرچم کشورشان نشسته‌اند بعد در ایران باید به غرب‌پرست‌ها ثابت کرد که آتش زدن پرچم امریکا اعتراض به دولت امریکاست نه مردم این کشور. این امر بدیهی را خود مردم امریکا هم فهمیده‌اند، شما کاسه داغ‌تر از آش نشوید!

حمید ذوالفقاری:
امروز مردم امریکا [پرچم این کشور را آتش می‌زنند چراکه] فهمیده‌اند پرچم امریکا نماد دولت ظلم و ستم و تبعیض و... است اما چرا زیباکلام و غربزده‌ها به این شعور نمی‌رسد؟ واقعاً چرا؟

صبا مهراد:
همه نقشه‌های تریلیون دلاری که امریکایی‌ها طی این ۴۰ سال برای راه‌اندازی آشوب‌های خیابانی در ایران و بهره‌برداری رسانه دنیا کشیدند الان در خیابان‌های خودِ امریکا در جریان است و تمامی ندارد.

عبدالله گنجی:
رابرت اوبراین مشاور امنیت ملی کاخ سفید، ایران، چین و روسیه را به دست داشتن در افزایش ناآرامی‌ها در امریکا متهم کرد. اولین برداشت از این حرف اعتراف به پایان ابرقدرتی امریکاست. یک ابرقدرت واقعی حتی تصور چنین اقدام خارجی را هم نمی‌کند تا چه رسد که آن را اعلام و ایران را همتراز ببیند.

حمیدرضا عبدالمنافی:
در نزدیکی ۱۴ خرداد سالگرد رحلت امام خمینی رهبر آزادمردان جهان، شاهد شعرخوانی سیاهپوستان و مسلمانان امریکا در مقابل کاخ سفید هستیم. [آنها] می‌خوانند ما فرزندان خمینی هستیم و مولایمان خامنه‌ای است. ترامپ با ترور حاج‌قاسم سلیمانی قلب امریکا را هدف گرفت.

م. ناصر:
هرچی امریکا سعی کرد با کمک نفوذی‌ها، مردم رو در برابر نظام اسلامی ایران قرار بده، حالا دست حق، مردم امریکا رو در برابر نظام شیطانی امریکا قرار داده.

امیر فرخاد:
خبرنگار «دویچه‌وله» و تیم همراهش حین پوشش خبری اعتراضات سراسری امریکا هدف گلوله پلاستیکی پلیس امریکا قرار گرفتند و بازداشت شدند؛ پیش از این نیز خبرنگار «سی‌ان‌ان» به همین علت بازداشت شده بود.

سیدمنصور موسوی:
دل‌هایمان را با شهادت «حاج قاسم» آتش زدید؛ دنیایتان آتش گرفت!

تحلیل و نظر

در این اوضاع اقتصادی، کجا سرمایه‌گذاری کنیم؟

دکتر مجتبی لشکربلوکی در کانال تلگرامی «شبکه توسعه» نوشت:
شرایط کشور دشوار است و پیچیده. عدم قطعیت‌های زیادی پیش‌روی ما وجود دارد. واقعاً آیا می‌شود در چنین شرایطی سرمایه‌گذاری کرد؟ می‌شود استراتژی داشت؟ اصلاً کجا سرمایه‌گذاری کنیم؟ نکته اینجاست اگر بخواهیم فقط روی عدم قطعیت‌ها و جنبه‌های منفی فکر کنیم، تا صد سال دیگر هم باید منتظر بمانیم. پس چه باید کرد؟
برای پاسخ دادن به این سؤال بگذارید یک مثال بزنم. تصور شما از شرکت والت دیزنی چیست؟ یک شرکت که همه‌اش فیلم‌ها فانتزی و بامزه و شاد می‌سازد. سیندرلا، آلیس در سرزمین عجایب، رابین هود و سفیدبرفی. کلاً از هفت دولت آزادند و همیشه شاد و خوشبخت هستند. اما وقتی به تاریخچه این شرکت نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که اوضاع همیشه بر وفق مراد هم نبوده و این شرکت مانند شخصیت‌هایش همیشه شاد و شنگول نبوده است. به عنوان مثال، والت دیزنی با سفیدبرفی به شهرت و محبوبیت رسید اما عمر این دوران شیرین کوتاه بود و با شروع جنگ جهانی دوم، این دوران پایان یافت. با شروع جنگ جهانی دوم، کمپانی والت دیزنی بازارهای اروپایی و خارجی خود را از دست داد. فیلم‌های پینوکیو و فانتزیا که هر دو هنوز هم شاهکارهای تاریخ انیمیشن و سینما محسوب می‌شوند، نتوانستند هزینه‌های خود را دربیاورند. شرکت به دلیل وضعیت اقتصادی دوران جنگ، بسیاری از هزینه‌های تولید را کاهش داد و به سختی روزگار می‌گذارند. اما والت دیزنی تصمیم گرفت برای ارتش و دولت فیلم‌هایی را تولید کند. آن موقع دولت و نیروهای نظامی نیازمند تأثیرگذاری روی افکار عمومی بودند و این یک فرصت را برای شرکت فراهم کرد. بیش از ۹۰درصد کارمندان والت دیزنی برای پروژه‌های دولتی-نظامی به کار گرفته شدند. در طول جنگ والت دیزنی بیش از ۴۰۰هزار قطعه فیلم آموزشی- تبلیغاتی جنگی تولید کرد. تنها در سال ۱۹۴۳ حدود ۲۰۴ هزار قطعه فیلم جنگی تولید شد. والت دیزنی در جریان جنگ جهانی دوم بین ۱۹۴۲ و ۱۹۴۵ درگیر تولید فیلم‌های تبلیغاتی برای دولت امریکا بود. بنابراین وقتی اوضاع خراب می‌شود و شرایط دشوار، برخی درها بسته می‌شوند و اگر بخواهیم فقط نگاه‌مان را به درهای بسته بدوزیم از دیدن درهای دیگر که تازه باز شده‌اند غافل می‌شویم.

تجویز راهبردی
عدم قطعیت‌ها را ببینید اما از خود بپرسید چه فرصت‌هایی وجود دارند یا چه روندهایی وجود دارند که تقریباً غیرقابل بازگشت هستند، یعنی هر اتفاقی که بیفتد این روندها کار خودشان را ادامه می‌دهند و این روندها چه کسب‌وکاری را برای ما فراهم می‌کنند؟ چند مثال می‌زنم.
- روند افزایش استفاده از موبایل برای همه چیز از بانکداری گرفته تا بازی؛ چه کسب‌وکاری می‌توانم در داخل موبایل تعریف کنم؟
- روند کاهش تعداد اعضای خانوار (قبلاً در خانواده‌های پنج، شش نفره بودیم و الان در خانواده‌های دو، سه نفره)؛ این یعنی چه محصول و خدمتی می‌توانم برای خانواده‌های کوچک شده ایرانی ارائه کنم؟
- روند کاهش تعداد فرزندان و رسیدگی بیشتر خانواده‌ها به فرزندان معدود خود؛ خانواده‌ها حاضرند برای تربیت فرزندان خود کجاها هزینه بپردازند؟
- روند سالمند شدن جمعیت کشور؛ جهان در طول ۷۰ سال گذشته حدود پنج سال پیرتر شده است، اما جمعیت ایران متأسفانه در ۶۰ سال گذشته ۱۰ سال پیرتر شده است. خب در حوزه خدمات نگهداری یا رسیدگی به سالمندان چه سرویس ویژه‌ای می‌توانم ارائه کنم؟
-اگر خیلی‌ها تنها و در خانواده‌های تک‌نفره زندگی می‌کنند چه نوع لوازم منزلی برای زندگی تک نفره احتیاج دارند؟
خلاصه اینکه؛ آن بخشی از آینده را که می‌توانیم پیش‌بینی کنیم باید در نظر بگیریم و بر آن اساس تصمیم‌گیری کنیم و قبل از نهایی‌سازی تصمیم، تصمیمات خود را با عدم قطعیت‌های کلیدی پیش‌رو چک کنیم اگر تصمیم ما در برابر عدم قطعیت‌های مهم تاب آورد آن تصمیم را نهایی می‌کنیم و بعد از تصمیم هم البته نمی‌خوابیم، همواره عدم قطعیت‌های کلیدی و همچنین رخدادهای غیرمنتظره دیگر (قوهای سیاه) را رصد کنیم و در صورت نیاز تصمیمات خود را روزآمد کنیم. بخشی از (و نه همه) توسعه و پیشرفت کشور در سطح کلان، مدیون تصمیمات هوشمندانه انبوهی از بازیگران سطح خرد است.

آیا تغییر رژیم در امریکا امکان دارد؟!

کانال تلگرامی «پایش امریکا» نوشت: مارگاریتا سیمونیان مدیر شبکه راشا تودی در کانال تلگرامی خود نوشت: «اعتراضاتی که اکنون در ایالات متحده در جریان است می‌توانست در هر کشوری به سرعت به تغییر رژیم منجر شود اما در امریکا چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. چرا؟ زیرا امریکای دومی نیست که به اعتراضات و تغییر رژیم کمک کند. من نمی‌توانم هیچ انقلاب و تغییر رژیمی را در سال‌های اخیر نام ببرم که بدون کمک امریکا رخ داده باشد. البته امریکای دوم در درون خود امریکا نهفته است.» در شرحی بر نظر این خانم مدیر راشاتودی باید گفت: چرا اتفاقاً بر خلاف نظر ایشان در امریکا تغییر رژیم زیاد روی می‌دهد. همین تغییر از اوباما به ترامپ چیزی از یک تغییر رژیم کم نداشت. تمام مقامات دولت فدرال در رده‌های یک، دو، سه و حتی گاه چهار نهادهای فدرال تغییر کردند. یعنی تمام وزرا و مدیران نهادهای فدرال که کاری سیاسی دارند و نه بوروکراتیک و توسط اوباما و تأیید کنگره منصوب شده بودند، تغییر کردند و به‌طور کامل از صحنه امور اجرایی حذف شدند. آنچه این روزها در امریکا می‌گذرد یک اعتراض است؛ اعتراض به خشونت پلیس و نژادپرستی ساختاری در آن، آن هم پلیسی که تحت امر فرمانداران و شهرداران ایالتی است نه دولت فدرال. البته اعتراض متوجه ترامپ هم هست چراکه او تا حد زیاد مخفی نکرده که نژادپرست است. در دوره اوباما نیز چندین اتفاق از این نوع افتاد. اما در اعتراضات کسی معترض اوباما نمی‌شد چون کسی او را نژادپرست نمی‌شمرد. اما به رغم نژادپرست بودن ترامپ و بخشی از حامیان او، هیچ کس خواستار استعفا یا برکناری یا سرنگونی او نمی‌شود چون می‌دانند این مهم می‌تواند شش ماه دیگر و در جریان انتخابات محقق شود و دست او و ایادی او از دولت کوتاه شود. اگر هم منظور خانم از تغییر رژیم، تغییر کل سیستم سیاسی امریکا و ابطال قانون اساسی آن کشور باشد، باید برای این منظور یک آلترناتیو نظری وجود داشته باشد، یعنی در ذهن‌ها یک الگوی حکومتی متفاوت شکل گرفته شده باشد تا حرکت‌ها بتواند در جهت به فعل درآوردن آن صورت گیرد. خانم مدیر شبکه باید اول پرس و جو کند که آیا چنین الگوی حکومتی متفاوتی شکل گرفته است، سپس سؤالش را مطرح کند. دیگر اینکه اگر چنین الگوی حکومتی متفاوتی شکل گیرد، حمایت خارجی از آن هم خواه ناخواه فراهم می‌شود، کما اینکه در دهه ۱۷۸۰ انقلاب امریکا با کمک فرانسوی‌ها شکل گرفت.

تبعات مواضع خود را به گردن دیگران نیندازیم!

حجت‌الاسلام شهاب‌الدین حائری شیرازی در کانال تلگرامی «ویرایش ذهن» نوشت: امروز به‌صورت اتفاقی سخنان آیت‌الله منتظری پیش از درس خارج فقه در سال ۱۳۷۱ و همزمان با کشتار فجیع مردم بوسنی توسط صرب‌ها را گوش دادم. ایشان ضمن اظهار تأسف از آن وقایع از دولت و دست‌اندرکاران گلایه می‌کنند که چرا بیشتر حمایت از این مسلمانان مظلوم دیپلماتیک است و باید اسلحه ارسال کرد و نترسید و اهمیتی هم به تبلیغات غرب نداد و...
گفتمان جناح چپ آن روز و اصلاح‌طلب فعلی دقیقاً همین بی‌پروایی و انقلابی‌گری بود و خود ما هم وقتی فجایع صرب‌ها را در آن روز (که آیت‌الله به ذکر چند نمونه دهشتناک از آن اشاره نمودند) و سبعیت و خونریزی اسرائیل را در همان ایام به یاد آوریم شاید جز این موضع را نگیریم. امروز که به همت حاکمیت ایران اسلامی همان ارسال سلاح صورت پذیرفت و قدری از خونریزی ماشین مادیگری غرب کاست و طبعاً آنها هم به اقدامات بازدارنده از قبیل تحریم و به انزوا کشیدن ما دست زده‌اند ممکن است عده‌ای از همان‌ها که تشویق به مداخله می‌کردند کنار کشیده و طلبکار شوند که چرا به حمایت دیپلماتیک بسنده نشد تا با تحریم مواجه نشویم؟!
غرض یک خود انتقادی به خودم و دیگران بود که هر که خربزه می‌خورد پای لرزش هم باید بایستد. اگر ما می‌خواهیم در حد توانمان جلوی آزمندی و مظلوم‌کشی سیستماتیک تمدن مادی را بگیریم دیگر نباید وقتی با تبعات این ایستادگی مواجه شدیم برای در امان ماندن از انتقادهای گلایه‌مندان از تحریم و انزوای بین‌المللی، با اپوزیسیون هم‌نوا شده و تبعات تصمیمی که در آن شریک بودیم را نپذیریم. مرور مواضع سابق به ما کمک می‌کند مسیر صحیح را گم نکنیم. البته این امر با انتقاد سازنده و به دور از تناقض با مواضع گذشته و پس از رصد آنچه باید صورت می‌پذیرفته اگر افراط و تفریطی شده باشد، ناسازگار نیست.

مرد خط مقدم

محمدصادق علیزاده طی رشته توئیتی بخشی از مصاحبه نوری المالکی، نخست‌وزیر اسبق عراق با ویژه‌نامه «جهان مرد» را که پیرامون شهید سلیمانی و تأثیر آن بر جبهه مقاومت است، به اشتراک گذاشت. نوری المالکی می‌گوید: به صراحت بگویم حاج قاسم در همه میدان‌های لبنان، سوریه، عراق، یمن و... حضور داشت، او را شبح می‌نامیدند. در غزه حضور داشت. خودش می‌رفت. در لبنان حضور داشت. در سوریه حضور داشت. در عراق هم بود. [با اوج گرفتن موضوع داعش در عراق] کسی که به ما کمک کرد، حاج قاسم بود. شب درباره نوع اسلحه به توافق می‌رسیدیم و روز بعد بلافاصله به شکل مستقیم، سلاح وارد عراق می‌شد... فقط او بود که به محض احتیاج، سلاح را از ارتش ایران و سپاه پاسداران می‌آورد... این اقداماتش وضعیت را نجات داد. بسیاری از سلاح‌های مختلف، تجهیزات، دستگاه‌ها و پهپادهایی که در جنگ مورد استفاده قرار گرفت را می‌خریدیم و ایران نیاز ما را تأمین می‌کرد. حتی نیاز مبرم به هواپیما پیدا کردیم. از حاج قاسم خواستیم به ما سوخوی ایرانی بفروشد و در عمل هم آنها هشت فروند سوخوی ایرانی فروختند. بعد از نخست‌وزیری به مناطق دیگری [با داعش] #دیالی رفتم. گلوله‌باران بود. به من اجازه ماندن ندادند. دیدم حاج قاسم از خودرو پیاده شد. از خط تماس و سمت جبهه دشمن آمده بود... در دفتری خارج از عراق ننشسته بود که جنگ را هدایت کند. این مرد در خط مقدمی بود که به من اجازه ماندن نمی‌دادند. مسئله عراق برای حاج‌قاسم بزرگ‌تر از صرفاً جنگ بود. حمایت‌هایش هم صرفاً محدود به جنگ نبود. او در حل مشکلات غذا، برق، گاز، سوخت و هر آن چیزی که عراق نیاز داشت به کمک ما می‌آمد.

تصویر منتخب

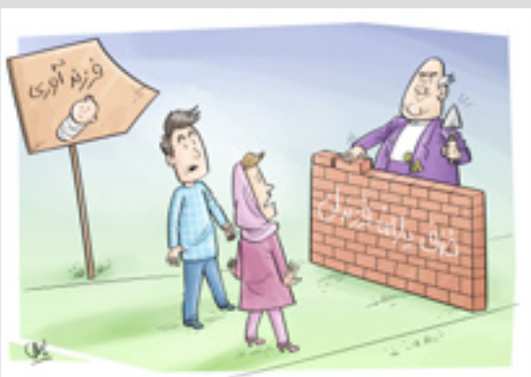

دیوارکشی دولت در برابر فرزندآوری، حذف و مشروط کردن پرداخت یارانه به فرزند جدید!